

تأثیر منابع در دسترس زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (مطالعه تجربی شهر بابل)

هوشنگ نایبی^۱، میمنت گلشانی^{۲*}

چکیده

پژوهش حاضر، به‌منزله یکی از تحقیقاتی که در حوزه مفهوم قدرت انجام گرفته است، در پی پاسخگویی به این سؤال است که مجموعه عوامل مؤثر بر قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده چیست؟ تحقیق حاضر، به‌منظور پاسخگویی به این سؤال، از مفاهیم نظری متفکران نظریه منبع بهره‌جسته است. از نگاه نظریه منبع، اشتغال، تحصیلات، منزلت شغلی، و مالکیت و دارایی شخصی از جمله منابعی هستند که موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده می‌شوند. در این نوشتار، با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه، به دنبال یافتن پاسخ سؤالات تحقیق بوده‌ایم. حجم نمونه را ۳۵۰ تن از زنان شاغل و غیرشاغل شهر بابل تشکیل می‌دهند که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، به‌طور تصادفی، انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که به‌طور کلی قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده در سطح بالایی قرار دارد و میان اشتغال، تحصیلات، و دارایی شخصی زنان با افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. اما میان درآمد و منزلت شغلی با قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه‌ای وجود ندارد.

کلیدواژگان

اشتغال، تحصیلات، خانواده، دارایی شخصی، درآمد، قدرت تصمیم‌گیری، منزلت شغلی.

مقدمه و طرح مسئله

خانواده یکی از نهادهای دیرپا و تأثیرگذار اجتماعی است. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، این نهاد اجتماعی قدمتی به اندازه حیات اجتماعی انسان دارد. به دلیل اهمیت و نقشی که خانواده در تداوم و سلامت جامعه داشته است، بسیاری از محققان اجتماعی به بحث و تبادل نظر در این حوزه پرداخته‌اند. از نگاه صاحب‌نظران حوزه خانواده، این نهاد نیز، همچون سایر نهادهای

hnayebi@ut.ac.ir

meimant_golshani@yahoo.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد مطالعات زنان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۹

اجتماعی، در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر و تحول شده است. مروری بر چگونگی تحول و رشد خانواده در جوامع مختلف نشان می‌دهد که شگرف‌ترین دگرگونی‌ها در این نهاد هنگامی رخ می‌دهد که مناسبات تولیدی در جامعه دگرگون شود و مناسبات سنتی موجود در خانواده به هم بریزد [۱۲، ص ۷۹]. مثلاً، انقلاب صنعتی یکی از عوامل مهمی است که در طول تاریخ، در سطحی وسیع، موجب تغییر در کارکرد و نقش اعضای خانواده شد. وقوع این انقلاب موجب تغییر در ساختار خانواده و به دنبال آن وظایف و نقش‌های سنتی شد که زنان تا پیش از آن برعهده داشتند. بدین معنا که تا پیش از انقلاب، زنان فقط در خانه بودند و وظایف مشخصی چون فرزندآوری، تربیت فرزندان، و انجام دادن کارهای خانه را برعهده داشتند و عرصه اجتماعی (خارج از خانه) در اختیار مردان قرار داشت. اما، پس از وقوع انقلاب، زنان نیز، همچون مردان، از خانه خارج شدند و پا به عرصه اجتماعی گذاشتند. بدیهی است که این تغییر و تحول عظیم نقش‌ها و وظایف زنان را تحت‌الشعاع قرار داده است [۷، ص ۱۲۷].

مسئله قدرت در خانواده یکی از مباحث چالش‌برانگیز در حوزه خانواده است. در خانواده‌های سنتی ایرانی، مرد، در نقش نان‌آور خانواده، ریاست خانواده را برعهده داشت و تمرکز قدرت نیز در دست او بود. با ورود صنعت و فناوری جدید به ایران و تغییرات اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن، جامعه و خانواده ایرانی نیز دچار تغییر و تحولاتی شده است. عواملی نظیر تغییرات ساخت اجتماعی جامعه، رواج شهرنشینی، گسترش آموزش همگانی، و دخالت بیشتر دولت در تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی مردم باعث تغییراتی در شکل و ساخت خانواده، به‌ویژه در شهرها، شد؛ به نحوی که امروزه شاهد پدیدارشدن شکل‌های گذار میان خانواده سنتی و جدید در کشور هستیم [۲، ص ۳۴].

خروج زنان از خانه و حضور آنان در عرصه تحصیل و اشتغال و پیشرفت در این حوزه‌ها، از جمله پدیده‌هایی است که با ورود و گسترش صنعت و فناوری جدید در ایران شکل گرفته و جامعه ایران در دهه‌های اخیر با آن روبه‌روست. این امر، که با گذشت زمان و تحول در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی صورت گرفت، این انتظار را به وجود آورد که به تدریج نقش مرد، به‌عنوان تنها نان‌آور خانواده، تغییر کند و زنان نیز تا اندازه‌ای در این مسئولیت سهیم شوند. به نظر جامعه‌شناسان، ایران کشوری در حال گذار است؛ بدین معنی که برخی از ارزش‌های سنتی حاکم بر جامعه و خانواده را حفظ کرده و بدان‌ها پای‌بند است و از سوی دیگر ارزش‌های نوین ناشی از جهان صنعتی را پذیرفته است. بر همین اساس، خانواده ایرانی، در صد سال اخیر، در کشاکش فرهنگی میان الگوهای سنتی و مدرن قرار داشته است.

در این کشاکش فرهنگی، ارزش‌ها و رفتارها نیز در خانواده‌ها دچار دگرگونی شده‌اند. بسیاری از رفتارهای ثابت و دیرین خانوادگی کمرنگ شده و رفتارهای دیگری به جای آن نشست‌اند [۱۰، ص ۱۶]. دغدغه بررسی رابطه قدرت در خانواده، در جامعه در حال گذاری چون

ایران، سال‌هاست که پژوهشگران حوزه خانواده را به بررسی این امر ترغیب کرده است که در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

دلیل انجام‌دادن این پژوهش، به‌رغم وجود تحقیقات متعدد در این حوزه، این بود که اگرچه براساس نظریاتی چون نظریه منبع، داشتن منابع ارزشمندی چون تحصیلات، اشتغال، درآمد، و... موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده می‌شود، نمی‌توان از زمینه‌های فرهنگی موجود در هر جامعه یا منطقه چشم‌پوشید. در همین زمینه، رادمن در تکمیل نظریه منبع معتقد بود: «توازن قدرت زناشویی از طریق تعادل بین منابع مقایسه‌ای زن و شوهر و انتظارات فرهنگی در مورد توزیع قدرت زناشویی شکل می‌گیرد» [۲۰، ص ۹۷].

البته باید به این نکته اشاره کرد که تحقیقات صورت‌گرفته در این حوزه بیشتر به کلان‌شهرهایی چون تهران، شیراز، و اصفهان مربوط می‌شود که با ویژگی‌های خاص کلان‌شهرها چون مهاجرت، ساختارهای اداری و اقتصادی گسترده، و... روبه‌رو هستند. در این پژوهش، تأثیر منابع در دسترس زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده در شهر کوچکی چون بابل، که ساختار اقتصادی و اجتماعی متفاوتی از کلان‌شهرهایی چون تهران دارد، مورد مطالعه قرار گرفته است.

از سوی دیگر، یکی از دلایل مهم تحقیق در خصوص وضعیت قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده در شهر بابل به نرخ اشتغال زنان در این شهر مربوط می‌شود. براساس یافته‌های حاصل از سرشماری‌های سال ۱۳۸۵، اشتغال زنان در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۵ شاهد روند صعودی ۱۴ درصد بوده است. در سال‌های اخیر، روند روبه‌رشد اشتغال زنان در بسیاری از شهرها امری عادی به نظر می‌آید، اما در شهر بابل امری کم‌سابقه محسوب می‌شود. براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵، امکان حضور و فعالیت اجتماعی زنان، خصوصاً در مشاغل خدماتی، افزایش یافته است [۹، ص ۱۲۹].

از آنجا که از نظر تئوری منبع، اشتغال از منابع مهم و مؤثر بر قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده محسوب می‌شود، ضروری است وضعیت قدرت تصمیم‌گیری زنان در شهری که در سال‌های اخیر نرخ بالای اشتغال زنان را تجربه کرده است بررسی شود.

بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از اینکه مجموعه عوامل مؤثر بر قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده چیست؟ به بیان دیگر، آیا حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بر قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده نقش داشته است؟

مروری بر سوابق تحقیق

«تأثیر اشتغال زنان بر تقسیم کار در شهر شیراز» پژوهشی است که با هدف بررسی اثرات اشتغال زنان بر تقسیم کار سنتی انجام شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که میان

تحصیلات و درآمد مردان با همکاری آن‌ها در امور خانه رابطه‌ای وجود ندارد. اما میان اشتغال و تحصیلات زنان با همکاری مردان در امور خانه رابطه معناداری وجود دارد و به‌طور کلی با زنان شاغل و تحصیل کرده بیش از زنان خانه‌دار همکاری به عمل می‌آید [۸، ص ۱۲۵-۱۲۹].

محققان در مقاله «بررسی امکانات و مشکلات اشتغال زنان در شهرستان شیراز» به این نتیجه رسیدند که مشارکت زنان شاغل در تصمیم‌گیری‌های خانواده بیشتر از زنان غیرشاغل است. در واقع، در خانواده‌هایی که زنان شاغل‌اند، تصمیم‌گیری عموماً توسط زن و شوهر، به‌طور مشترک، انجام می‌شود. البته در خانواده‌هایی که زنان خانه‌دارند هم تقسیم وظیفه‌ای درباره تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد؛ بدین معنا که تصمیم‌گیری درباره اموری که به سرنوشت خانواده بستگی دارد بیشتر به مردان واگذار می‌شود، اما در مواردی که به اداره منزل و تحصیل فرزندان مربوط می‌شود، این زنان هستند که نقش اصلی را برعهده دارند [۶، ص ۲۷].

در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر قدرت تصمیم‌گیری زنان مجرد و متأهل»، که به بررسی قدرت تصمیم‌گیری ۲۰۰ زن متأهل و مجرد در کشمیر پرداخته شد، نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که میان قدرت تصمیم‌گیری زنان با سطح تحصیلات آنان رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین محققان بر این باورند که قدرت تصمیم‌گیری زنان مجرد و متأهل در یک سطح قرار دارد و هر دو گروه زنان از قدرت تصمیم‌گیری پایینی در خانواده برخوردارند و به‌شدت به تصمیمات شوهر یا اعضای خانواده وابسته‌اند [۱۸، ص ۷۹].

همچنین، در مقاله‌ای با عنوان «زنان و قدرت تصمیم‌گیری در خصوص بارداری»، که از سوی دو تن از محققان هندی در شهر اداشا بر زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله ساکن شهر انجام شد، نتایج نشان داد که به دلیل تسلط فرهنگ حاکم بر خانواده‌های ساکن شهر، زنان، اعم از شاغل یا خانه‌دار، از قدرت تصمیم‌گیری پایینی در خصوص باروری برخوردارند و در این خصوص تابع همسران خودند [۲۲، ص ۴۸].

در تحقیقی با عنوان «رابطه قدرت در خانواده»، ۵۰۰ خانواده ساکن سیاتل و واشنگتن بررسی شدند. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه قدرت در خانواده‌ها، به دلیل حضور اجتماعی و اشتغال زنان، به نفع زنان تغییر کرده است [۱۹، ص ۶۲].

در مقاله‌ای با عنوان «تصمیم‌گیری زنان خانه‌دار روستایی و شهری در نیکاراگوئه»، محقق به این نتیجه رسید که فعالیت و مشارکت زنان در مواردی بیش از درآمد بر قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده تأثیر می‌گذارد، اما از سوی دیگر ایدئولوژی‌های حاکم نیز قدرت تصمیم‌گیری زنان را محدود می‌کند. از سوی دیگر، محقق بر این باور بود که قدرت تصمیم‌گیری زنان در شهر بیشتر از روستاست، زیرا امکان مشارکت اقتصادی زنان در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است [۲۱، ص ۱۵].

چارچوب نظری

در این پژوهش، از نظریه منبع، به منزله یکی از نظریاتی که به مبحث رابطه قدرت در خانواده می‌پردازد، بهره گرفته شده است. این تئوری نخستین بار توسط بلاد و ولف در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. براساس نظریه منبع، قدرت «فرستی است که در چارچوب رابطه اجتماعی وجود دارد و به فرد امکان می‌دهد، صرف نظر از پایه‌ای که قدرت مذکور بر آن استوار است، اراده‌اش را، حتی به‌رغم مقاومت دیگران، بر آن‌ها تحمیل کند» (۱۱، ص ۱۶).

بر این اساس، فرد یا گروهی از افراد قدرت دارند که بتوانند اراده و مقصود یا مقاصد خود را بر دیگران و از جمله بر کسانی که ناراضی و مخالفاند تحمیل کنند و هر اندازه که توانایی تحمیل اراده و نیل به مقصود مورد نظر بیشتر باشد، قدرت فرد نیز بیشتر است. آنچه به فرد توانایی تحمیل اراده خود بر اراده دیگری را، به‌رغم نارضایتی او، می‌دهد منابع می‌نامند. منظور از منبع «هر خصوصیت، وضع، یا دارایی است که امکان تأثیرگذاری دارنده آن را بر شخص یا گروه دیگر افزایش دهد» (۱۱، ص ۱۶). این منابع می‌تواند شامل خصوصیات فردی چون جذابیت ظاهری، پرستیژ اجتماعی، کاریزما، شهرت، و... یا داشتن موقعیت‌های اجتماعی چون مقام سیاسی، عضویت در انجمن‌ها و محافل رسمی و غیررسمی، آشنابودن با اشخاص صاحب نفوذ، و در نهایت در اختیار داشتن منابع مادی چون ثروت، زمین، و... باشد.

براساس نظریه مبادله، در مبادله اجتماعی میان افراد «کنترل خدمات و یا منابعی که هیچ‌یک تبدیل دیگری بر آن‌ها متصور نیست، منبع و منشأ قدرت است» (۴، ص ۴۳۲). در نتیجه، در رابطه اجتماعی میان افراد، فردی که منابع ارزشمند را در اختیار داشته باشد صاحب قدرت است و اشخاص دیگر، که نیازمند آن منابع هستند، مجبورند از اراده او متابعت کنند و پیروان او محسوب می‌شوند. «از این منظر، فرد قدرتمند بدین سبب می‌تواند اراده خود را تحقق بخشد که دیگران یا نیازمند پاداش تحقق اراده هستند یا اینکه از عدم اعمال آن دچار ضرر و زیان می‌شوند. قدرت در این معنا قابلیت مجبورساختن دیگران به انجام وظایف با تکیه بر ضمانت‌های منفی است» (۴، ص ۴۳۲).

بلاد بر نابرابری طرفین در مبادله و عدم تعادل قدرت در آن تأکید می‌ورزد. در واقع، بلاد بر این باور است که مبادله اجتماعی معمولاً طبیعتی نامتعادل دارد؛ بدین معنی که طرف فرو دست، که به منابع ارزشمند دسترسی ندارد و به پاداش و منابع ارزشمند از سوی فرد صاحب قدرت نیاز دارد، در مبادله‌های نامتعادل یا نابرابر ممکن است، در ازای دریافت منابع و پاداش، کار طرف پاداش‌دهنده خود را با «فرمان‌برداری» یا «تسلیم» جبران نماید (۵، ص ۴۳۴)؛ بدین معنا که «فرد در مقابل دریافت امتیازی که نمی‌تواند به‌طور کامل آن را تلافی کند، تمایل دارد از بعضی از خواسته‌های خود در مقابل طرف دیگر چشم‌پوشی کند و فرمان‌بردار شود» (۱، ص ۱۰۷). از این طریق، فرد می‌تواند به منابع ارزشمند دسترسی داشته باشد.

بر پایه تعریف قدرت از نگاه تئوری منبع، قدرت در خانواده را می‌توان «یک خاصیت یا صفت در یک سیستم خانوادگی تعریف کرد که براساس آن فرد یا افرادی توانایی (بالقوه یا بالفعل) برای تغییر رفتار اعضای دیگر خانواده را دارند» [۱۰، ص ۴۴]. این قدرت را می‌توان در سه سطح بررسی کرد:

۱. پایه‌های قدرت در خانواده (شامل منابع اولیه نظیر مالکیت فردی است که به وسیله آن توانایی مالک در اعمال کنترل موقعیت‌های پیش‌آمده ثابت می‌شود)؛
 ۲. منابع قدرت در خانواده (منابع قدرت معمولاً در ارتباط با شاخص‌هایی چون تحصیلات، درآمد، شغل، و... تعریف می‌شود)؛
 ۳. نتایج قدرت در خانواده (به روابط داخلی افراد و فرایندهایی که در آن قدرت شکل می‌گیرد نظیر تصمیم‌گیری‌ها، حل مشکلات، حل تضادها، و... اشاره دارد) [۱۰، ص ۴۶].
- نظریه پردازان تئوری منبع معتقدند که مردان در خانواده از زنان دسترسی بیشتری به منابع و امکانات ارزشمند نظیر تحصیلات و اشتغال دارند. در نتیجه، امکان پاداش‌دهی آنان بیشتر از سایر اعضای خانواده است. اعضای خانواده نیز، که به منابع کمتری دسترسی دارند، در مقابل دریافت پاداش‌ها از مرد، به‌عنوان فرد صاحب قدرت، پیروی می‌کنند [۱۷، ص ۱۱۷].
- این محققان در مطالعه‌ای در شهر دیترویت (۱۹۶۰)، به بررسی صحت و سقم تئوری خود پرداختند. به همین منظور، آن‌ها هشت حوزه تصمیم‌گیری را مشخص نموده و از پاسخگویان خواستند به این پرسش پاسخ دهند که در هر یک از این حوزه‌ها چه کسی (زن، شوهر، یا هر دو مشترک) تصمیم‌گیری نهایی را برعهده دارند. حوزه‌های هشت‌گانه مورد نظر بلاد و ولف عبارت‌اند از: «خرید اتومبیل، خرید وسایل خانگی، نوع خانه مسکونی، اشتغال زن خارج از خانه، نوع شغل شوهر، میزان پول هفتگی برای خرید مواد غذایی، انتخاب پزشک معالج، و چگونگی و محل گذراندن اوقات فراغت» [۳، ص ۲۶]. نتایج حاصل از پژوهش نیز فرضیه اصلی را تأیید کرد.
- بررسی‌های بلاد و ولف نشان داد «توزیع قدرت در خانواده تا حدی به تملک منابع ارزشمند برمی‌گردد تا به نقش‌های جنسیتی سنتی» [۱۴، ص ۲۷]. بنابر نتایج این تحقیق، «هرچه مرد از پایگاه شغلی، میزان درآمد، و سطح تحصیلی بالاتری نسبت به زن برخوردار باشد، در خانواده نیز از قدرت بیشتری برخوردار است. نتایج حاصل درباره زنان نیز به تأیید این موضوع پرداخت که اشتغال آنان سبب افزایش قدرت ایشان در مقایسه با زنان غیرشاغل می‌گردد» [۱۳، ص ۳۶].
- در نتیجه، از نگاه تئوری منبع، درآمد حاصل از اشتغال یکی از منابع ارزشمندی است که از سوی زنان گاه وارد رابطه می‌شود و رابطه قدرت را در خانواده تغییر می‌دهد، زیرا در این حالت دیگر فقط مرد نیست که صاحب منابع ارزشمند است. نظریه‌پردازان این دیدگاه نشان دادند علاوه بر اشتغال، دارا بودن منابع ارزشمند دیگری چون منزلت شغلی، تملک و دارایی شخصی، و تحصیلات نیز جزء آن دسته از منابعی هستند که به زنان اجازه می‌دهند تا به اندازه مردان در

رابطه‌های چون خانواده پاداش دهند و رابطه را از شکل رهبری مرد و تبعیت زن خارج کنند [۱۵، ص ۶۳].

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

میان منابع در دسترس زنان با قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. میان تحصیلات زنان با قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.
۲. میان اشتغال زنان با قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.
۳. میان منزلت شغلی زنان با قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.
۴. میان درآمد زنان با قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.
۵. میان دارایی و تملک شخصی زنان با قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد.

در این تحقیق، متغیرهای مستقل عبارت است از تحصیلات، درآمد، منزلت شغلی، و دارایی شخصی و متغیر وابسته نیز قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده است. در توضیح متغیر وابسته باید به این نکته اشاره کنیم که با الگوبرداری از نظریه منبع، حوزه‌هایی که براساس آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده سنجیده می‌شود عبارت‌اند از: ۱. تصمیمات مربوط به خرید یا فروش خانه مسکونی، ۲. تصمیمات مربوط به خرید وسایل خانگی، ۳. تصمیمات مربوط به خرید یا فروش ماشین، ۴. تصمیمات مربوط به تحصیل زن، ۵. تصمیمات مربوط به اشتغال و نوع شغل زن، ۶. تصمیمات مربوط به امور فرزندان، ۷. تصمیمات مربوط به چگونگی هزینه‌کردن حقوق و درآمد زن، ۸. تصمیمات مربوط به امور شخصی زن مانند نوع لباس پوشیدن و آرایش کردن، و ۹. تصمیمات مربوط به ارتباط اجتماعی مانند معاشرت با دوستان و بستگان و نحوه گذراندن اوقات فراغت.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه پیمایش انجام گرفته و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکرین استفاده شد. از این فرمول برای انتخاب حجم نمونه در جمعیت‌های کوچک استفاده می‌شود.

براساس فرمول زیر $n=350$ نفر از زنان شاغل و خانه دار شهر بابل است.

$$n = \frac{\frac{p q t^2}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{p q t^2}{d^2} - 1 \right)}$$

گفتنی است در این تحقیق:

$$p=0/5, q=0/5, t=1/96, d=0/05, n=34642$$

برای انتخاب نمونه این تحقیق نیز از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. برای نمونه‌گیری، ابتدا از اداره سرشماری شهرستان بابل فهرستی از همه حوزه‌های سرشماری تهیه شد. در مرحله دوم، متناسب با حجم بلوک‌های موجود در حوزه‌ها، از طریق نمونه‌گیری تصادفی، ۵۰ بلوک انتخاب شد. در مرحله بعد، فهرستی از زنان ساکن در بلوک‌های انتخاب‌شده تهیه گردید و در گام بعدی بر اساس نمونه‌گیری تصادفی در هر بلوک ۷ زن انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای برابری تعداد شاغلان و خانه‌داران لیستی تهیه شد. پس از مصاحبه با افرادی که به‌طور تصادفی انتخاب شدند، افراد بر اساس وضعیت فعالیتشان در دو لیست شاغلان یا خانه‌داران گنجانده شدند. از آنجا که در مراحل پایانی تکمیل پرسشنامه تعداد شاغلان به‌طور تصادفی به اندازه کافی رسید، از ادامه مصاحبه با زنان شاغل صرف‌نظر شد و از زنان خانه‌دار مورد نظر در لیست مصاحبه شد.

یافته‌های توصیفی

سن: این پژوهش به بررسی ۳۵۰ نفر از زنان شاغل و خانه‌دار ۳۰ تا ۵۵ ساله شهر بابل می‌پردازد. به منظور سنجش دقیق‌تر، گروه‌های سنی ۵ ساله تشکیل شد. داده‌های جمع‌آوری شده برای متغیر سن، که به صورت طبقه‌بندی شده در جدول ۱ نمایش داده شده است، نشان می‌دهد حدود یک‌سوم پاسخگویان در گروه سنی ۳۰-۳۴ قرار گرفته‌اند که بیش‌ترین فراوانی را نیز به خود اختصاص داده‌اند. این طبقه از پاسخگویان حدود ۲۹/۱ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. طبقه ۵۰-۵۴ ساله نیز با ۱۳/۱ درصد کمترین میزان پاسخگویان را دربرمی‌گیرد.

جدول ۱. توزیع سن

گروه‌های سنی	فراوانی	درصد فراوانی
۳۰-۳۴	۱۰۲	۲۹/۱
۳۵-۳۹	۸۳	۲۳/۷
۴۰-۴۴	۵۰	۱۴/۳
۴۵-۴۹	۶۹	۱۹/۷
۵۰-۵۴	۴۶	۱۳/۱
کل	۳۵۰	۱۰۰

وضعیت تحصیل: بر اساس داده‌های به دست آمده (جدول ۲) می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان تحصیلات لیسانس دارند (۳۳/۷) و نما نیز به همین گروه تعلق می‌گیرد و کمترین فراوانی نیز به سطح تحصیلی بی‌سواد با ۱/۱ درصد مربوط می‌شود.

جدول ۲. توزیع تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی‌سواد	۴	۱/۱	۱/۱
ابتدایی	۱۵	۳/۴	۵/۴
راهنمایی	۲۲	۶/۳	۱۱/۷
دیپلم	۱۰۷	۳۰/۶	۴۲/۳
فوق دیپلم	۳۶	۱۰/۳	۵۲/۶
لیسانس	۱۱۸	۳۳/۷	۸۶/۳
فوق لیسانس و بالاتر	۴۸	۱۳/۷	۱۰۰
کل	۳۵۰	۱۰۰	

اشتغال: از حیث اشتغال، افراد مورد مصاحبه به دو دسته شاغل و غیرشاغل تقسیم شدند. بررسی وضعیت شغلی حجم نمونه براساس جدول ۳ نشان می‌دهد که تعداد افراد شاغل و غیرشاغل تقریباً با یکدیگر برابر است. تعداد افراد شاغل ۱۷۶ نفر و غیرشاغل ۱۷۴ نفر است.

جدول ۳. توزیع اشتغال

وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد
شاغل	۱۷۶	۵۰/۳
غیرشاغل	۱۷۴	۴۹/۷
کل	۳۵۰	۱۰۰

درآمد: برای سنجش درآمد، حقوق و درآمد افراد به ۴ دسته تقسیم شد. بررسی میزان درآمد پاسخگویان نشان می‌دهد تقریباً نیمی از اعضای حجم نمونه (۴۵/۵ درصد) درآمد بین ۳۰۰-۶۰۰ هزار تومان دارند. کمترین میزان درآمد نیز به گروه درآمدی کمتر از ۳۰۰ هزار تومان تعلق می‌گیرد (۱۱/۷ درصد).

جدول ۴. توزیع درآمد

میزان درآمد	فراوانی	درصد
کمتر از ۳۰۰ هزار تومان	۲۵	۱۱/۷
۳۰۰-۶۰۰ هزار تومان	۹۷	۴۵/۵
۶۰۰-۹۰۰ هزار تومان	۴۹	۲۳
بیشتر از ۹۰۰ هزار تومان	۴۲	۱۹/۷
کل	۲۱۳	۱۰۰
بی‌پاسخ	۱۳۷	

منزلت شغلی: در این پژوهش، منزلت شغلی به سه دسته منزلت شغلی پایین (مشاغلی چون آبدارچی، دستفروش، سیگارفروش، و...)، منزلت شغلی متوسط (مشاغلی چون نقاش، خبرنگار، پرستار، حسابدار، و...)، و منزلت شغلی بالا (مشاغلی چون استاد دانشگاه، قاضی، دکتر داروساز، مهندس شیمی، و...) تقسیم گردید [۱۶، ص ۷۵]. با توجه به داده‌های جدول ۴، بیش از سه‌چهارم از پاسخگویانی که شاغل بودند (۸۰ درصد)، منزلت شغلی متوسطی داشتند. بر همین اساس، ۴ درصد منزلت شغلی پایین و ۱۶ درصد منزلت شغلی بالایی داشتند.

جدول ۵. توزیع منزلت شغلی

منزلت شغلی	فراوانی	درصد
پایین	۷	۴
متوسط	۱۴۱	۸۰
بالا	۲۸	۱۶
کل	۱۷۶	۱۰۰

دارایی و مالکیت: متغیر دارایی و تملک شخصی نیز از جمع جبری نمرات پاسخگویان به ۵ گویه به دست آمده و متغیری فاصله‌ای است. عدد صفر بیانگر این است که فرد مالک هیچ‌یک از دارایی‌ها (خانه، ماشین، ویلا، مغازه، و زمین) نیست و عدد ۱ تا ۵ بیانگر این است که فرد صاحب ۱ تا ۵ مورد از موارد بالاست.

جدول ۶. توزیع دارایی و مالکیت

میزان دارایی	فراوانی	درصد
۰	۱۰۴	۲۹٫۷
۱	۱۴۱	۴۰٫۳
۲	۷۱	۲۰٫۳
۳	۳۲	۹٫۱
۴	۲	۰٫۶
۵	۰	۰
کل	۳۵۰	۱۰۰

با توجه به میانگین ۵ گویه، که برای سنجش دارایی‌های فرد (خانه، ماشین، ویلا، مغازه، و زمین) منظور شده است، و دامنه نمرات، که بین صفر (فاقد هرگونه دارایی) تا ۵ (مالک خانه، ماشین، ویلا، مغازه، و زمین) است، مقدار ۱/۱، میزان دارایی‌های افراد پاسخگو را در سطح بسیار کمی ارزیابی می‌کند.

جدول ۷. شاخص‌های آماری متغیر دارایی

میانگین	نما	واریانس	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
۱٫۱	۱	۰٫۹۰۸	۰٫۹۵	۰٫۵

قدرت تصمیم‌گیری: متغیر قدرت تصمیم‌گیری از ترکیب گویه‌های ابعاد قدرت تصمیم‌گیری (امور مربوط به ظاهر زن، امور مربوط به فرزندان، اشتغال، تفریح و اوقات فراغت، تحصیلات، خرید و فروش مسکن، ماشین، و لوازم اساسی منزل) ساخته شده و متغیری فاصله‌ای است. ابعاد و مقدار این متغیر بین نمره ۱ تا ۵ قرار دارد. آمارهای مربوط به این متغیر در جداول ۸ و ۹ ذکر شده است.

جدول ۸. شاخص‌های آماری محاسبه‌شده برای ابعاد قدرت تصمیم‌گیری در خانواده

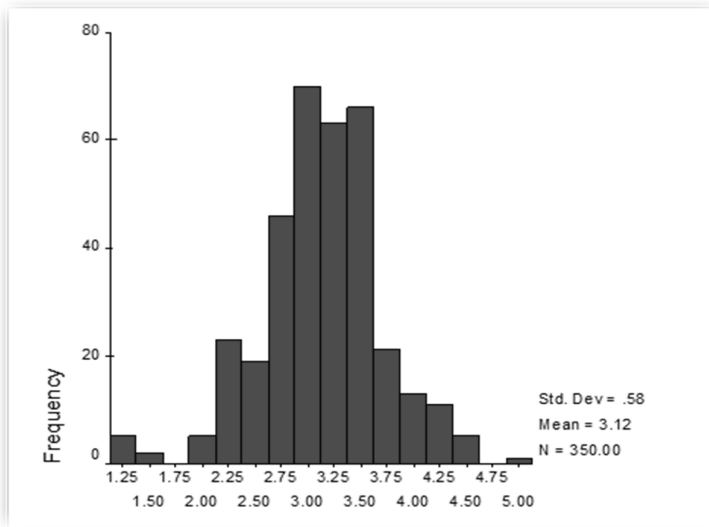
ابعاد قدرت تصمیم‌گیری	میانگین	واریانس	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
خرید و فروش مسکن	۲٫۸۳	۰٫۷۸	۰٫۸۸	۰٫۰۴۷
خرید لوازم اساسی	۳٫۳۲	۰٫۷۵۴	۰٫۸۶	۰٫۰۴۶
خرید و فروش ماشین	۲٫۴۳	۰٫۹۳۳	۰٫۹۶۶	۰٫۰۵۲
ظاهر زن	۲٫۴۳	۰٫۶۶	۰٫۸۲	۰٫۰۴۹
ارتباط با محیط خارج	۳٫۲۳	۱٫۶۱	۱٫۲۷	۰٫۰۶۷
ادامه تحصیل	۳٫۴۴	۱٫۱۳	۱٫۰۶	۰٫۰۵۷
امور فرزندان	۳٫۲۴	۰٫۴۳	۰٫۶۵	۰٫۰۴
اوقات فراغت	۳٫۰۲	۰٫۶۳	۰٫۷۹	۰٫۰۴۲
اشتغال	۳٫۴۵	۱٫۰۱	۱	۰٫۰۵۴

جدول ۹. شاخص‌های آماری متغیر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده

میانگین	واریانس	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
۳٫۱۲	۰٫۳۳	۰٫۵۸	۰٫۰۳

براساس جدول ۸، که نشان‌دهنده میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان در ابعاد مختلف است، بالاترین میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان به امر اشتغال و تحصیل اختصاص دارد. بدین معنا که زنان در تصمیم‌گیری در خصوص کارکردن یا کار نکردن، نوع شغل، و ادامه تحصیل از قدرت بالایی برخوردارند. در مرتبه بعد، بیشترین میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان مربوط به خرید وسایل اساسی خانه، رسیدگی به امور فرزندان و تربیت آن‌ها، و انتخاب دوستان خانوادگی و ارتباط با آن‌هاست. گفتنی است که زنان در تصمیم‌گیری در خصوص خرید و فروش ماشین و ظاهر خود، که شامل نوع لباس پوشیدن و آرایش کردن می‌شود، از کمترین میزان قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند.

با توجه به جدول ۹، میانگین شاخص قدرت تصمیم‌گیری ۳/۱۲ است و با در نظر گرفتن اینکه پاسخ‌ها از یک تا پنج کدگذاری شده‌اند و عدد ۵ بیانگر قدرت تصمیم‌گیری زیاد و عدد یک بیانگر قدرت تصمیم‌گیری کم است، عدد ۳/۱۲ قدرت تصمیم‌گیری زنان را در سطح بالایی نشان می‌دهد.



شکل ۱. هیستوگرام میزان قدرت تصمیم‌گیری

نتایج تحقیق

فرضیه ۱: میان تحصیلات زنان با قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد. هرچه میزان تحصیلات زنان بیشتر باشد، قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده بیشتر است.

برای مشاهده تفاوت قدرت تصمیم‌گیری در سطوح مختلف تحصیلی، میانگین متغیر وابسته به تفکیک سطح تحصیلات در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۱۰. میانگین قدرت تصمیم‌گیری بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	میانگین قدرت تصمیم‌گیری
زیر دیپلم	۲/۹۴
دیپلم	۳
بالتر از دیپلم	۳/۲۲

جدول ۱۰ و میانگین‌های اختصاص یافته به هریک از گروه‌های متغیر مستقل، نشان می‌دهد که قدرت تصمیم‌گیری در سطوح مختلف تحصیلی متفاوت است؛ به طوری که با افزایش تحصیلات قدرت تصمیم‌گیری زنان، هر چند به میزان اندک، افزایش می‌یابد. برای آزمون معناداری و شدت رابطه نیز به ترتیب از آزمون انووا و اندازه پیوستگی اتادو استفاده شده است.

جدول ۱۱. آماره‌های رابطه تحصیلات و قدرت تصمیم‌گیری

تحصیلات				متغیر مستقل متغیر وابسته	قدرت تصمیم‌گیری
تعداد	مقدار Eta squared	مقدار Eta	سطح معناداری		
۳۵۰	۰٫۰۴۳	۰٫۲۰۸	۰٫۰۰۰	۷٫۸۷	

سطح معناداری، که برابر با ۰٫۰۰۰ است، نشان می‌دهد تحصیلات زنان با قدرت تصمیم‌گیری آنان رابطه معناداری دارد و همچنین این رابطه را می‌توان به جامعه آماری تعمیم داد. مقدار اتادو نیز، که بیانگر شدت رابطه است، ۰٫۰۴۳ است. فرضیه ۴: میان اشتغال زنان با قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد. با توجه به اینکه وضعیت اشتغال متغیر اسمی دومقوله‌ای و قدرت تصمیم‌گیری متغیری فاصله‌ای است، برای بررسی رابطه بین این دو متغیر از مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است.

جدول ۱۲. میانگین قدرت تصمیم‌گیری بر حسب وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	میانگین قدرت تصمیم‌گیری
غیرشاغل	۲٫۹۵
شاغل	۳٫۲۹

میانگین قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده، که به تفکیک وضعیت اشتغال در جدول ۱۲ آمده است، نشان می‌دهد که قدرت تصمیم‌گیری زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است. برای آزمون معنی‌داری این تفاوت از آزمون انووا و شدت پیوستگی آن از اتادو استفاده گردید.

جدول ۱۳. آماره‌های رابطه متغیر وضعیت اشتغال با قدرت تصمیم‌گیری

وضعیت اشتغال				متغیر مستقل متغیر وابسته	قدرت تصمیم‌گیری
تعداد	مقدار Eta squared	مقدار Eta	سطح معناداری		
۳۵۰	۰٫۰۸۰	۰٫۲۸۴	۰٫۰۰۰	۳۰٫۴۲	

مقدار اتادو و سطح معناداری آن گویای این است که میانگین‌های دو گروه شاغل و خانه‌دار تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و قابل تعمیم به جامعه آماری است. بنابراین، فرض H_0 ، که بیانگر عدم ارتباط بین متغیرهاست، رد شده و فرضیه ارتباط بین وضعیت اشتغال زنان و قدرت

تصمیم‌گیری آنان در خانواده بدین صورت که قدرت تصمیم‌گیری زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است پذیرفته می‌شود.

فرضیه ۳: میان منزلت شغلی زنان با قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد. هرچه منزلت شغلی زنان بالاتر باشد، قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده بیشتر است. میانگین قدرت تصمیم‌گیری به تفکیک منزلت شغلی در جدول ۱۴ ارائه شده است:

جدول ۱۴. میانگین قدرت تصمیم‌گیری بر حسب منزلت شغلی

منزلت شغلی	میانگین قدرت تصمیم‌گیری
پایین	۳/۴۰
متوسط	۳/۲۸
بالا	۳/۲۹

برای آزمون معناداری رابطه از آزمون انووا استفاده شده است که مقدار و سطح معناداری آن در جدول ۱۵ نمایش داده شده است.

جدول ۱۵. آماره‌های رابطه متغیر منزلت شغلی با قدرت تصمیم‌گیری

منزلت شغلی	متغیر مستقل	
	مقدار F	متغیر وابسته
تعداد	۰/۲۷۷	قدرت تصمیم‌گیری
۱۷۶	۰/۷۵۸	

با توجه به سطح معناداری مشاهده شده (۰/۷۵۸) روشن می‌شود که بین دو متغیر منزلت شغلی و قدرت تصمیم‌گیری رابطه معناداری وجود ندارد. بدین معنا که با افزایش منزلت شغلی زنان قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده افزایش نمی‌یابد.

فرضیه ۴: میان درآمد زنان با قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد. هرچه درآمد زنان بیشتر باشد، قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده بیشتر است. برای مشاهده تفاوت قدرت تصمیم‌گیری در طبقات مختلف درآمد، میانگین متغیر وابسته، به تفکیک میزان درآمد، در جدول ۱۶ نمایش داده شده است.

جدول ۱۶. میانگین قدرت تصمیم‌گیری بر حسب میزان درآمد

میزان درآمد	میانگین قدرت تصمیم‌گیری
کمتر از ۳۰۰ هزار تومان	۲/۹۸
۳۰۰-۶۰۰ هزار تومان	۳/۱
۶۰۰-۹۰۰ هزار تومان	۳/۲۱
بیشتر از ۹۰۰ هزار تومان	۳

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، میانگین قدرت تصمیم‌گیری در بین طبقات مختلف درآمد به میزان بسیار اندکی متفاوت است. برای آزمون معناداری رابطه از آزمون انووا استفاده شده است که مقدار و سطح معناداری آن در جدول ۱۷ به نمایش آورده شده است:

جدول ۱۷. آماره‌های رابطه متغیر میزان درآمد با قدرت تصمیم‌گیری

میزان درآمد			متغیر مستقل
تعداد	سطح معناداری	مقدار F	متغیر وابسته
۲۱۳	۰٫۵۱۹	۰٫۷۵۹	قدرت تصمیم‌گیری

با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون، که برابر با ۰٫۵۱۹ است، فرضیه وجود رابطه بین درآمد و قدرت تصمیم‌گیری رد می‌شود. با قبول فرض صفر، که مبتنی بر عدم معناداری رابطه است، می‌توان گفت که میزان درآمد فرد ارتباط معناداری با قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده ندارد. بدین معنی که با افزایش درآمد زنان قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده افزایش نمی‌یابد.

فرضیه ۵: میان دارایی و تملک شخصی زنان با قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد. هرچه دارایی شخصی زنان بیشتر باشد، قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده بیشتر است.

چون هر دو متغیر دارایی و قدرت تصمیم‌گیری فاصله‌ای هستند، برای بررسی رابطه بین دو متغیر از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۱۸. رابطه متغیر دارایی شخصی با قدرت تصمیم‌گیری

دارایی و تملک شخصی				متغیر مستقل
تعداد	سطح معناداری	مقدار r^2	مقدار ۲ پیرسون	متغیر وابسته
۳۵۰	۰٫۰۰۰	۰٫۰۶	۰٫۲۵۹	قدرت تصمیم‌گیری

نتیجه به دست آمده از آزمون همبستگی نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر قدرت تصمیم‌گیری و دارایی و تملک شخصی با شدت رابطه ۰٫۲۵۹ و سطح معناداری ۰٫۰۰۰ تأیید می‌شود و می‌توان این رابطه را به جامعه آماری تعمیم داد. البته همان‌طور که ضریب تعیین r^2 نشان می‌دهد، فقط ۶ درصد از تغییر در قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده ناشی از تملک و دارایی شخصی زنان است. با توجه به اختصاص یافتن امتیاز بالاتر به میزان دارایی بیشتر، می‌توان گفت هرچه فرد دارایی بیشتری داشته باشد، قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در خانواده خواهد داشت.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر با عنوان «تأثیر منابع در دسترس زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده» با هدف بررسی قدرت تصمیم‌گیری زنان در شهر بابل، که با روند رو به رشد اشتغال زنان روبه‌رو است، انجام شد. قدرت به معنای توانایی اعمال اراده فرد بر فرد یا گروهی از افراد، به‌رغم میل آن‌ها، از جمله مفاهیم مهم در حوزه خانواده است. قدرت در خانواده، به‌عنوان یکی از اشکال قدرت در سطح خرد، بر سه اصل پایه‌های قدرت در خانواده، منابع قدرت در خانواده، و در نهایت نتیجه قدرت در خانواده مورد توجه محققان قرار گرفته است. در این پژوهش، قدرت در خانواده، از حیث منابع، مورد بررسی قرار گرفته است.

در ایران، با ورود تکنولوژی‌های پیشرفته و البته آشنایی با فرهنگ غرب، برای نخستین بار زنان پا به اجتماع گذاشتند. این روند با وقوع انقلاب اسلامی تشدید شد، زیرا بسیاری از خانواده‌های سنتی، که تا پیش از آن محیط جامعه را برای حضور زنان و دختران نامناسب می‌دانستند، با وجود قوانین اسلامی در محیط اجتماعی به خروج آنان از خانه رضایت دادند. این روند به‌حدی شدت یافت که امروزه، طبق آمارهای موجود، بخش زیادی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. ورود زنان به عرصه اجتماعی و پذیرش نقش‌های اجتماعی این انتظار را به‌وجود آورد که نقش‌های آنان در خانه و خانواده نیز دستخوش تغییر شود. در همین زمینه و براساس تئوری منبع، که داشتن منابعی چون اشتغال، تحصیلات، درآمد، منزلت شغلی، و مالکیت فردی را موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده می‌داند، انتظار می‌رود زنان تا اندازه‌ای از نقش‌های سنتی خود در خانواده فاصله گرفته باشند و الگوی مشارکت خانواده از حالت یک‌سویه تصمیم‌گیری مرد به حالت دوسویه تصمیم‌گیری زن و مرد تغییر کرده باشد. البته، همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، در حال گذار بودن جامعه ایران موجب شده تا بحث قدرت خانگی زنان مورد توجه و بررسی فراوان قرار گیرد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این پژوهش، با استفاده از نظریه منبع، قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده را در شهر بابل بررسی کرده است. از نگاه تئوری منبع، اشتغال، تحصیلات، منزلت شغلی، و دارایی و تملک شخصی بر قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده تأثیرگذار است. نظریه‌پردازان این تئوری، بر پایه ۸ حوزه تصمیم‌گیری، قدرت زنان در خانواده را مورد سنجش قرار داده‌اند. در این پژوهش نیز، از فرهنگ بومی ۹ حوزه برای سنجش قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده استفاده شد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که به‌طور کلی زنان از قدرت تصمیم‌گیری نسبتاً بالایی در خانواده برخوردارند و اشتغال از جمله منابع مهمی است که بر این امر تأثیرگذار است. همچنین، نظریه منبع، که نظریه اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد، در جامعه آماری مورد نظر تأیید شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که میان متغیرهایی چون تحصیلات، اشتغال، و

دارایی و تملک شخصی با قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده رابطه‌ای مستقیم و مثبت وجود دارد. اما، براساس داده‌های آماری موجود، میان متغیرهای منزلت شغلی و میزان درآمد زنان با قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده رابطه‌ای وجود ندارد. در توضیح این امر باید به این نکته اشاره کرد که براساس داده‌های به دست آمده، زنان شاغل، فارغ از هر سطحی از منزلت شغلی و یا هر میزان درآمد، از زنان خانه‌دار قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در خانواده دارند و دلیل رد شدن فرضیه‌های وجود رابطه میان متغیرهای منزلت شغلی و میزان درآمد با متغیر وابسته احتمالاً به این امر مربوط است که ۸۰ درصد از پاسخگویان از منزلت شغلی متوسطی برخوردار بودند و ۴۵ درصد آنان نیز درآمد ماهیانه ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان داشتند. به دلیل تجمع اکثریت افراد در یک گروه امکان مقایسه میان گروه‌های مختلف و بررسی تأثیر این متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته وجود نداشت. از این رو، احتمال می‌رود که دو فرضیه رابطه میان منزلت شغلی و درآمد با قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده به این دلیل رد شده باشند.

در این پژوهش، علاوه بر تأثیر منابعی چون اشتغال و تحصیلات، که در عمده تحقیقات درباره قدرت در خانواده مورد سنجش قرار گرفته‌اند، تأثیر منابعی مانند دارایی و منزلت شغلی بر قدرت تصمیم‌گیری زنان نیز بررسی شده است. علاوه بر این، در بسیاری از پژوهش‌ها، قدرت زنان بیشتر در حوزه‌هایی چون مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی، تعداد مولید، و وضعیت تحصیلی فرزندان سنجیده شده است. در این پژوهش اما تلاش شد تا حوزه‌های سنجش قدرت زنان با چشم‌اندازی گسترده‌تر و در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی بررسی شود. علاوه بر این، پژوهش حاضر نشان داد که بیشترین قدرت زنان معطوف به اموری چون اشتغال و تحصیل است. البته زنان در امور مربوط به نقش‌های زنانه‌ای چون تربیت فرزندان و رسیدگی به امور آنان و همچنین خرید وسایل و لوازم خانه نیز از قدرت تصمیم‌گیری بالایی برخوردارند. در مقابل، بیشتر زنان مصاحبه‌شده، اعم از شاغل و خانه‌دار، در مواردی که به نوع آرایش کردن و لباس پوشیدن (امور مربوط به ظاهر زن) مربوط است از خواسته همسرانشان تبعیت و طبق میل آنان رفتار می‌کنند.

در پایان، امید است تا پژوهش حاضر توانسته باشد چشم‌اندازی از وضعیت قدرت خانگی زنان در شهر بابل ارائه داده باشد.

منابع

- [۱] اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲). *تفکری نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد حاضری، تهران: نشر سفید.
- [۲] بهنام، جمشید (۱۳۴۰). *ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران*، تهران: شرکت سهامی خوارزمی.
- [۳] پناهی، امیرمحمد (۱۳۸۴). «ساختار قدرت در خانواده، مدرسه، و بازتولید مشارکت اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- [۴] توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹). *نظری‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- [۵] ریتزر، جرج (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- [۶] زاهدانی، زاهد؛ ایران محبوب، سعید و جلیل (۱۳۷۱). *بررسی امکانات و مشکلات اشتغال زنان در شهرستان شیراز*، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- [۷] سگالن، مارتین (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: مرکز.
- [۸] عنایت، حلیمه (۱۳۶۷). «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر تقسیم کار در خانواده در شهر شیراز»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۳، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۱.
- [۹] قدس، حسین (۱۳۸۷). *سیمای اقتصادی استان مازندران*، تهران: بهارنارنج.
- [۱۰] قندهاری، پردیس (۱۳۸۲). *زن و قدرت*، تهران: معاونت پژوهشی پژوهشکده علوم انسانی.
- [۱۱] لاجوردی، هاله (۱۳۷۶). *ساختار قدرت در خانواده*، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- [۱۲] لنسکی، گرهارد؛ لنسکی، جین (۱۳۶۹). *سیر جوامع بشری*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- [۱۳] منصوریان، محمدکریم؛ قادری، فرحناز (۱۳۸۱). «عوامل مؤثر بر ساخت قدرت در خانواده (مورد شهر شیراز)»، *مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره ۲، ش ۳۱، ص ۳۰۲.
- [۱۴] مهدوی، محمدصادق؛ صبوری خرمشاهی، حبیب (۱۳۸۲). «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده»، *مطالعات زنان*، س اول، ش ۲، ص ۲۹-۳۷.
- [۱۵] نبوی، عبدالحسین؛ احمدی، لیلا (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۸، ش ۲، ص ۶۲.
- [۱۶] نایبی، هوشنگ؛ عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱). «تبیین قشربندی اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، س ۱۰، ش ۲۰، ص ۲۱۰-۲۳۰.
- [17] Blood, Robert O, & D. M. Wolf (1960). *Husband and Wives*, Gellencoe Illinois: the free press, Broderick. C.B.
- [18] Jan, Muzamil. Akhtar, Shabina (2008). «An Analysis of Decision-Making Power Among Married and Unmarried Women», *Institute of Home Science, University of Kashmir*, 2 (1), PP 43-50.
- [19] Miller, B, Richard (2008). *Who is the boss? Power Relationship in Families*, Brigham Young University.
- [20] Rodman, H (1967). «Marital power in France, Greece, Yugoslavia and U.S.A cross-national discussion», *Journal of marriage and the family*, Vol. 29.
- [21] Bradshaw, Sara (2013). *Women's decision-making in rural and urban households in Nicaragua*, Environment and Urbanization, London.
- [22] Bhaswati, Das. Deepshikha, Tarai (2011). «Women's decision-making play an important role in determining her reproductive health and fertility behavior», *Journal of Social Change*, University of New Dehli, Vol 41, PP 233-249.